

تاملی در گروه های آموزشی و درس پژوهی ، با تکیه بر شباهت ها و تفاوت ها

رسول بهنام^۱، جعفر رجب زاده^۲

تاریخ پذیرش : ۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۱

چکیده

یکی از اهداف اساسی هر آموزش و پرورشی از جمله آموزش و پرورش ایران بالا بردن من حرفه ای معلمانش می باشد. درس پژوهی یکی از راهکارهای ژاپنی این هدف در عرصه تعلیم و تربیت است که در چند دهه اخیر مورد توجه متخصصان علوم تربیتی قرار گرفته است. درس پژوهی به شکل های مستقل و یا نیمه مستقل در زیر نظر گروه های آموزشی در نواحی ادارات آموزش و پرورش جای دارد و فعالیت می نماید. بررسی ها در آموزش و پرورش ایران، حداقل بعد از انقلاب اسلامی، نشان می دهد که مدلی مشابه درس پژوهی، با تمایزهایی خیلی کم، با عنوان «گروه های آموزشی» در آن موجود بوده است. در واقع درس پژوهی با اهدافش جزء وظایف گروه های آموزشی می باشد. این مطالعه در نظر دارد ضمن مقایسه این دو شیوه و برشمردن شباهت ها و تمایزهای آن دو از جهات گوناگون، نظیر اهداف، روش ها، دوره های زمانی و ... به این مهم پردازد که به چه دلیل یا دلایلی گروه های آموزشی موفق نشدند؟ و یا اگر شده اند چه نیازی به تمرین و تشریح این مدل ژاپنی وجود دارد؟ و این که آیا در آینده درس پژوهی هم به اوضاع گروه های آموزشی دچار خواهد شد؟ اگر جواب مثبت است چه راه کارهایی برای این مهم باید اندیشیده شود؟ این مطالعه به دلیل رویکرد کیفی بودن، با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای و مصاحبه و پرسش نامه انجام گرفته است.

کلید واژگان: درس پژوهی، گروه های آموزشی، شباهت، تمایز.

r.3450306@gmail.com

^۱ مدیر گروه علوم انسانی ، دانشگاه فرهنگیان.

j.rajab@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی ، دانشگاه فرهنگیان.

۱. مقدمه

مقایسه، یکی از راه های پروردن معانی به شمار می رود. این مهم معمولاً بین دو امر با اعتباری تقریباً یکسان انجام می شود. مقایسه می تواند بین دو شعر، دو کتاب، دو انسان، دو تفکر، دو الگو و ده ها دوی دیگر انجام پذیرد. غرض از مقایسه، روشن کردن معنی، مفهوم، بیان شباهت ها و تفاوت ها و درجات و ویژگی های دو امر یا دو چیز برای تبیین و تشریح کامل آن ها می باشد.

در این مطالعه نیز تلاش بر این است که با مقایسه گروه های آموزشی مدارس و الگوی درس پژوهی، شباهت ها و تفاوت های هر دو از دو منظر اهداف، وظایف و چالش ها، بررسی و تبیین گردد. برای همین منظور ضمن بیان تعریفی کلی از هر کدام، اهداف و تاریخچه و نحوه اجرای هر یک، به اختصار توضیح داده شده و مقایسه انجام خواهد پذیرفت.

۱.۱. بیان مساله و تبیین اهداف

تحولات روز افزون در دنیای معاصر، بشر را با چالش های زیادی مواجه کرده که از نظر متخصصان علوم اجتماعی و تربیتی، بهترین و مناسب ترین و کم هزینه ترین محل برای رویارویی با این چالش ها، آموزش و پرورش می باشد. به عبارت دیگر، دنیای امروز نیازمند انسان هایی است که بتوانند خود را با شرایط جدید وفق داده و از تغییر و تحول و دگرگونی عقب نمانند. در این میان، آموزش و پرورش وظیفه سنگینی بر عهده داشته و باید بتواند با رشد روزافزون دانش، اطلاعات و فناوری، برنامه های متنوعی ایجاد و نسل جدید را آماده مقابله با انواع چالش ها آماده نماید.

بررسی سند تحول نشان می دهد که خوشبختانه تنظیم کنندگان این سند راهبردی، از این نکته مهم و کلیدی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، غافل نبوده و به بهسازی و باز اندیشی در فرایند یاددهی و یادگیری که به گسترش پژوهش در آموزش خواهد انجامید، تاکید ها کرده اند. (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، ۴۸) و یا حتی در بند (۴-۱-۶) مبانی نظری تحول، به صراحت می بینیم که پژوهش محوری و بهره مندی از نتایج پژوهش ها و توجه به خرد جمعی در سطوح تربیت رسمی و عمومی یادآوری و به همکاری مربیان در تولید طرح ها و برنامه های تربیتی و ... با تشکیل انجمن های علمی و حرفه ای در مدارس، حساسیت ویژه ای نشان شده است.

شاید همین موارد یکی از ده ها دلیلی بوده باشد که متخصصان علوم تربیتی کشور را علاقه مند و یا وادار به وارد کردن الگویی به نام درس پژوهی و یا همان تدریس پژوهی به عنوان یکی از راه کارهایی که می تواند در این مورد به کمک آموزش و پرورش شتافته و در کیفیت بخشی روند یاددهی و یادگیری موثر باشد، نموده است به طوری که حتی می بینیم این مهم در برنامه ی درسی دانشجویان کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان هم وارد و به عنوان دو واحد درسی منظور گردیده است.

با این توضیحات، این مطالعه در نظر دارد به استناد حدیث «قُولُوا الْحَقَّ لَوْ عَلَي أَنْفُسِكُمْ» با مقایسه گروه های آموزشی مدارس در ایران و اهداف و کارکرد های آن با پدیده نوین و ژاپنی درس پژوهی، به بیان شباهت ها و تمایزهای آن دو پرداخته، بیشتر معلوم کند که این طرح و الگو، به شکل های گوناگون که یکی از مستند ترین آن ها «گروه های آموزشی» می باشد، سال ها پیش در آموزش و پرورش ایران وجود داشته و اجرا می شده است.

۱.۲. پرسش های تحقیق

سوال اصلی این مطالعه عبارت است از این که : گروه های آموزشی و الگوی درس پژوهی چه شباهت ها و تفاوت هایی با هم دارند؟

سوالات فرعی که می تواند قابل طرح باشد این است که:

- نحوه تشکیل گروه های آموزشی در مدرسه چگونه است؟
- چه شباهت هایی در اهداف گروه های آموزشی و درس پژوهی وجود دارد؟
- چه چالش هایی در اجرای درس پژوهی و گروه های آموزشی وجود دارد؟
- چه دلایلی را می توان برشمرد که به نمایشی تبدیل شدن این طرح، منجر شده است؟
- درس پژوهی و گروه های آموزشی در چه مقطعی پر رنگ تر و فعال تر می باشد؟ چرا؟

۱.۳. پیشینه پژوهش

با وجود نوین بودن الگوی درس پژوهی، حداقل در ایران، به راحتی می توان در مورد آن به تعداد دو برابر انگلستان دست به کتاب و مقاله کامل دست یافت و این منهای اطلاعات و بلاگ ها و ... در اینترنت می باشد. ولی بررسی همه این ها موید این ادعا است که حداقل در موضوع این تحقیق مطالعه خاصی صورت نگرفته و اغلب مقاله ها و ... فقط به ذکر تاریخچه، اهمیت و نحوه اجرای درس پژوهی و ... پرداخته اند.

۱.۴. روش شناسی، ابزار و جامعه پژوهش

این مطالعه که یک تحقیق کیفی است با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده ابزار کتابخانه ای و بعضاً مصاحبه با مدیران مدارس و سرگروه ها و ... به صورت میدانی به جمع آوری اطلاعات و تحلیل و توصیف آن ها پرداخته است.

۲. بحث

۲.۱. تعریف و تشریح گروه های آموزشی

از آن جایی که بعضاً اصطلاحات و واژه ها در موقعیت های گوناگون ، معانی متفاوتی را برای افراد القا می کنند در ابتدا لازم است تعریف دو اصطلاح گروه درسی و گروه آموزشی که مرتبط با موضوع مطالعه نیز می باشند، انجام پذیرد: گروه درسی معادل اصطلاح انگلیسی (Department) به معنای جزیی از دانشگاه که در آن دروس مشابه و مربوط به یکدیگر تدریس می شود مانند گروه درسی تاریخ یا ادبیات و ریاضی و ...

این گروه درسی در مدرسه، حداقل با دو نفر از معلمان هم پایه و یا هم رشته که دروس خاصی را تدریس می کنند، قابل تشکیل است..

گروه آموزشی، معادل انگلیسی (Educational Groups) می باشد و تشکل هایی از معلمان آموزش و پرورش را شامل می شود که با هدف جلب همکاری و استفاده هر چه بهتر از تجارب آنان در تحقق ماموریت های مطلوب در سطح ستاد، سازمان، مدیریت، اداره و مدرسه فعالیت می نمایند (شیوه نامه گروه های درسی، ۱۳۸۴: ۱۶).

گروه های آموزشی در آموزش و پرورش ایران از جمله ی مجامع علمی هستند که با اندیشه برقراری تعامل و ارتباط سازنده بین معلمان ایجاد گردیده و این مجامع علمی تلاش می کنند تا با جلب مشارکت معلمان در فرایند تعلیم و تربیت، زمینه استفاده آنان از تجارب و اطلاعات علمی، آموزشی و حرفه ای دیگر معلمان را در رابطه با روش های تدریس، شیوه های سنجش و ارزشیابی، نقد و بررسی کتب درسی، کاربرد تکنولوژی آموزشی، تقویت زمینه های تحقیق و پژوهش و نهایتاً بهبود کیفیت آموزشی، فراهم نمایند.

بررسی شیوه نامه های قابل دسترس چگونگی تشکیل گروه های آموزشی که در سال های ۸۴ و ۸۶ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۴ و ۹۵ تدوین شده اند؛ نشان دهنده تعاریفی تقریباً یکسان از گروه های آموزشی در مدارس ایران می باشند.

در شیوه نامه سال ۹۵ به این تعریف برمی خوریم که: « گروه های آموزشی — و پرورشی، مجموعه ای هستند که همه اعضای آن تلاش می نمایند ضمن شناسایی حوزه های یادگیری، مهارت های یاد دادن و یاد گرفتن از یکدیگر را بیاموزند و بدان عمل کنند و معلمان مخاطب خود را به چنین ویژگی مجهز نموده و با اعتقاد به امر پژوهش به طور مستمر اقدامات خود را مورد بررسی و ارزشیابی قرار دهند و یا در شیوه نامه ی سال ۸۴ می بینیم که از گروه های آموزشی به عنوان مجمعی علمی و یاری دهنده معلمان که بیش از دو دهه در متن نظام تعلیم و تربیت منشا خدمات بسیاری بوده است یاد کرده و آموزش و پرورش کشور را در مرحله گذار از رشد کمی و ورود به مولفه های کیفی تا حدود زیادی وام دار این نهاد علمی معرفی می کند.

شیوه نامه ی سال ۸۶ گروه های آموزشی را یک سازمان یادگیرنده می داند که همه ی اعضای آن تلاش می کنند ضمن شناسایی حوزه های یادگیری، مهارت های یاد دادن و یادگرفتن را از یکدیگر بیاموزند و بدان عمل کنند و (شیوه نامه گروه های آموزشی، ۱۳۸۶: ۱۱).

۲.۱.۱. تاریخچه گروه های آموزشی

عمر تاسیس یا ایجاد گروه های آموزشی در آموزش و پرورش ایران، به عنوان یک نهاد علمی، به سال ۱۳۵۹ یعنی تقریباً بیش از سه دهه ی پیش، برمی گردد که وزارت آموزش و پرورش وقت، با ابلاغ بخش نامه شماره ی ۱۲۱/ آ / ت مورخ ۵۹/ ۶ / ۱۰ به ادارت کل آموزش و پرورش استان ها، استارت آن را زده و دستور تشکیل گروه ها را در مقطع ابتدایی صادر نموده است.

بعد از گذشت دو سال یعنی در سال ۱۳۶۱، می بینیم که به دلیل تاثیر گذاری چشمگیر این نهاد نوپا در آن مدت کم، دفتر آموزش عمومی وقت، طی بخش نامه ی شماره ی ۴۶/۲/۲ مورخ ۶۱/۹/۶ تشکیل این گروه ها را در هر سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خواستار و بر آن تاکید نماید.

۲.۱.۲. اهمیت و نقش گروه های آموزشی

بدیهی است ساماندهی فعالیت های کارکنان در قالب گروه ها، باعث افزایش هم اندیشی و بالا بردن توان علمی، برنامه ریزی و تعامل افکار می گردد و یقیناً از این طریق وظایف سازمانی به صورت مطلوب تر نیز انجام می پذیرد. با این اوصاف، این گروه ها را باید به عنوان پتانسیلی قوی که توان و فعالیت کارکنان را در جهت اجرای اهداف سازمان و رساندن آن ها به حداکثر ممکن، محقق می نمایند؛ به شمار آورد.

این رویکرد در سازمان های آموزشی که آموزش و پرورش نیز در راس آن ها قرار دارد، به دلیل نوع فعالیت و ماهیت کاریشان، نیاز بیشتری به تلاش و فعالیت های گروهی دارند و ما این مهم را حداقل به صورت رسمی، بعد از انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش ایران، مشاهده کرده ایم.

گروه های آموزشی مدارس که قبلاً به سه دسته کلی ابتدایی و راهنمایی و متوسطه تقسیم می شدند؛ امروزه به دلیل تغییراتی در نظام آموزشی کشور، به دو دسته اصلی در مقاطع ابتدایی و متوسطه تقسیم گشته اند و آیین نامه ی جدیدی نیز برای آن تدوین شده است.

۲.۱.۳. اهداف وظایف گروه های آموزشی مدرسه

وظایف گروه های آموزشی مدرسه با توجه به تغییرات سی و چند ساله ای که در نظام آموزشی کشور ایجاد شده، دچار تغییراتی گردیده است که با بررسی حداقل پنج دستور العمل صادره در این مورد، می توانیم آن ها را به صورت زیر مرتب نماییم:

- ایجاد زمینه و شرایط مناسب برای تبادل نظرات، افکار، تجارب مفید، ابتکارات و نوآوری بین معلمان و دانش آموزان که به ارتقای سطح آگاهی آنان می انجامد.
- ایجاد هماهنگی و هم فکری در اجرای برنامه ها و روش های آموزشی نوین
- ایجاد زمینه برای تشکیل انجمن های علمی - تخصصی دانش آموزان و معلمان.
- ترغیب و تشویق معلمان به خلاقیت و نوآوری در کل فرآیند تدریس و یادگیری.
- تهیه طرح ها، برنامه ها، محتوای کتب درسی و روش های آموزشی با استفاده از نظرات معلمان.
- تقویت روحیه نوآوری و پویایی در نظام جدید با توجه به ویژگی های آن و افزایش توان دبیران در استفاده از آن ها.
- بهبود فرآیند های یاددهی - یادگیری در کلاس و ارایه راهکار های عملی با بررسی پیشنهادات مدیر، همکاران، اولیا و دانش آموزان

- دعوت از افراد مطلع و صاحب نظر برای آشنایی با دیدگاه های نوین روش های تعلیم و تربیت و پاسخ گویی به مشکلات آموزشی و تربیتی همکاران

- برنامه ریزی و هماهنگی لازم برای مشاهده فعالیت های آموزشی معلمان جهت بهره گیری از تجارب یکدیگر در محیط واقعی کلاس درس

- بهره گیری از فناور های نوین در تولید منابع و فرایند های آموزشی و تربیتی

- نقد و بررسی برنامه ی درسی اعم از محتوا، روش، وسایل آموزشی، ارزشیابی و ارایه نظرات اصلاحی به سطوح بالاتر - همکاری در تشکیل نمایشگاه ها و ... در مدرسه

- بررسی طرح های شهرستانی برای تسهیل در اجرای آن ها در کلاس و مدرسه

- تهیه و تدوین گزارش فعالیت ها جهت ارایه به شورای معلمان و گروه های آموزشی شهرستان

۲.۱.۴. نحوه تشکیل گروه های آموزشی در مدارس

گروه های آموزشی در مدرسه هر ساله با شروع سال تحصیلی و یا قبل از شروع سال تحصیلی، در اولین شورای معلمان مدرسه به وسیله خود معلمان هم رشته یا هم پایه، شناسایی و تشکیل گردیده و نهایتاً به وسیله خود معلمان، یک نفر که معمولاً با سابقه و با تجربه می باشد، به عنوان سرگروه تعیین می گردد.

طبیعتاً برای ارتباط بهتر این گروه ها و مدیریت سالم تر این فعالیت ارزشمند، به موازات آن ها در مدارس، در ادارات شهرستان ها و ادارات کل استان ها نیز، سرگروه هایی به وسیله خود معلمان تعیین می گردد که هر کدام دارای وظایف خاصی هستند.

در آیین نامه شماره ۱۷۴۴۷۱ مورخه ۹۰/۸/۲ نحوه تشکیل گروه های آموزشی، این گونه آمده است که: «کلاس و مدرسه بستر اصلی شکل گیری گروه های آموزشی بوده و سایر سطوح اعم از منطقه و استان و ستاد و ... بستر ساز و حامی و تسهیل گر این امر می باشند.

در صفحه چهار همین شیوه نامه، خاستگاه اصلی گروه های آموزشی، مدرسه معرفی شده و تاکید می گردد که معلمان باید با حضور موثر و تعامل سازنده با یکدیگر، فرصت های هم اندیشی را در خصوص امور مختلف برنامه های درسی و آموزشی فراهم آورند. از این رو گروه های آموزشی، به عنوان جمعی برخوردار از ظرفیت های علمی، فکری و تجربی هستند که ماموریت اصلی آن ها ایجاد زمینه و شرایط لازم برای هم فکری، هم اندیشی، تبادل تجارب و همکاری برای انجام وظایف آموزشی و پرورشی می باشد.

۲.۲. تعریف و تشریح درس پژوهی

درس پژوهی رویکردی برای توسعه دانش حرفه ای معلمان است، که از درون مدارس ابتدایی ژاپن مطرح و توسعه یافته است. در این رویکرد، معلمان با حضور در گروه های کوچک با تشریح مساعی و با شرکت در جلسات هم اندیشی،

پیرامون اهداف و محتوای دروس، به یک برنامه مقدماتی برای تدریس دست می یابند، سپس با مشاهده اجرای برنامه و نقد آن، فرصتی برای رشد حرفه ای خود مهیا می سازند.

معلمان از طریق درس پژوهی، یاد می گیرند که چگونه از یکدیگر بیاموزند و در تجارب آموزشی و تربیتی یکدیگر سهیم شوند. آن ها بدین ترتیب می توانند با بازاندیشی در رفتارهای آموزشی خود، راه های بهتری برای تدریس بیابند و به تولید دانش حرفه ای بپردازند. (ساکی ، ۱۳۸۸ : ۱۲۳).

درس پژوهی رویکردی برای توسعه حرفه ای است که طی آن معلمان با یکدیگر در جهت تدوین طرح درس، اجرا، مشاهده و تحلیل نتایج آن در جهت بهبود یادگیری دانش آموزان همکاری و مشارکت می نمایند.

درس پژوهی یک تمرین توسعه حرفه ای می باشد که معلمان در آن تشریح مساعی و همکاری می کنند تا طرح درسی را تهیه و اجرا نموده و درس را به منظور جمع آوری داده های مربوط به یادگیری دانش آموزان مشاهده نموده و این مشاهدات را در جهت بهبود و اصلاح درس خود به کار گیرند.

این فرایندی است که دبیران در آن درگیر می شوند تا چیزهای بیشتری در مورد تکالیف یادگیری موثر بیاموزند که منتج به پیامدهای یادگیری بهبود یافته برای دانش آموزان می شود(استیپانک، اپل، لیونگ ، تورنرمانگان، میتشل، ۱۳۸۹، ترجمه ی ساکی و مدنی : ۱۱).

درس پژوهی الگویی برای بهسازی توانایی حرفه ای معلمان و روشی برای تولید دانش حرفه ای در مدرسه است و به معلمان فرصت می دهد تا روابط خود را با یکدیگر و با دانش آموزان بهبود بخشند و به همکاری با پژوهشگران آموزشی برای حمایت سیستماتیک از تفکر انتقادی، بازبینی و بازاندیشی در اندیشه و عمل آموزشی تشویق شوند. (سرکار آرانی ، ۱۳۸۹ : ۵۶).

این مدل پژوهش در کلاس درس عملاً بر چرخه یادگیری گروهی، کیفی، مشارکتی و مداوم کارگزاران آموزشی شامل مراحل پنجگانه (تبیین مساله، طراحی، عمل، بازاندیشی و یادگیری) استوار است. ابتدا معلمان مسائل آموزشی مدرسه را بررسی می کنند و پرسش های پژوهش در کلاس درس را تبیین می کنند. سپس طرحی برای انجام دادن پژوهش مشارکتی خود پیشنهاد می کنند آن گاه آن را به اجرا می گذارند. سپس به ارزیابی و بازبینی فرایند عمل انجام شده می پردازند. در این فرایند، یادگیری معلمان از یکدیگر به صورت مشارکتی سازماندهی می شود و در عمل، ظرفیت مدارس برای تولید و به کارگیری دانش حرفه ای در مدرسه و گسترش امکان تغییر خود پایدار و مستمر افزایش می یابد(همان منبع : ۴۰).

در درس پژوهی، گروه های معلمان به طور منظم به مدت طولانی جلسه تشکیل می دهند. (از چند ماه تا یک سال) و روی طراحی، اجرا، ارزشیابی و بهبود یک یا چند پژوهش در کلاس درس کار می کنند.

درس پژوهی با استفاده از همه شاخص ها در بین معلمان ژاپنی بسیار محبوب است و ارزش بالایی دارد. این روش رکن اصلی فرایند بهبود مدارس است. منطق درس پژوهی ساده است: «اگر می خواهید آموزش را بهبود بخشید اثربخش ترین جا برای چنین کاری کلاس درس است» (استیگلر و هیبرت ، ۱۳۹۰ ، ترجمه سرکارآرانی و مقدم : ۱۱۹)

سرکارآرانی، درس پژوهی را به عنوان رویکردی از آموزش ضمن خدمت معلمان در مدرسه مطرح می کند که به وسیله تعامل در چهار حوزه (معلمان با خودشان، معلمان با معلمان، معلمان و دانش آموزان و معلمان و والدین) به بهبود فرایند یاددهی – یادگیری کمک می کند(سرکارآرانی و ماتوبا، ۲۰۰۲ ، به نقل از خاکباز و موسی پور، ۱۳۸۷).

درس پژوهی شکل اولیه ای از رشد حرفه ای معلمان در ژاپن است. هدف آن بهبود مستمر تدریس (آموزش) است به گونه ای که دانش آموزان بتوانند مطالب بیشتری را بیاموزند. تمرکز اولیه آن نیز بر نحوه تفکر و یادگیری دانش آموزان است. درس پژوهی با سایر اشکال رشد حرفه ای متفاوت است، به این دلیل که پرورش حرفه ای در حین یاددهی و یادگیری (آموزش) صورت می گیرد و تمرکز آن تدریس است، نه معلمان، کارکردن دانش آموزان است، نه کار دانش آموزان. ملاک سنجش در موفقیت درس پژوهی یادگیری معلمان است نه تولید یک درس. تهیه دروس بهتر نتیجه جانبی و ثانویه فرایند است، اما نه هدف اولیه ی آن. (بختیاری ، ۱۳۸۷ : ۴۷)

۲.۳. اهداف و وظایف درس پژوهی

۱. به گسترش فرهنگ یادگیری در مدارس می انجامد.
۲. محیطی فراهم می کند که معلمان از همدیگر بیاموزند.
۳. دانش حرفه ای معلمان را ارتقا می دهد.
۴. معلمان در رفتار خود بازاندیشی می کنند.
۵. به تحول مستمر در آموزش کمک می کند.
۶. پژوهش در مدرسه را اثر بخش تر می کند.
۷. چگونه از همدیگر یاد گرفتن را معلمان می آموزند.
۸. در تجارب آموزشی و تربیتی یکدیگر سهیم می شوند.
۹. در رفتارهای آموزشی بازاندیشی می شود.
۱۰. در رسیدن به راه های بهتر یاد دادن و یاد گرفتن تلاش می شود.
۱۱. به تولید دانش حرفه ای می انجامد.
۱۲. با درگیر ساختن معلمان در فرایند تبیین مساله، طرح نقشه، عمل، مشاهده، بازاندیشی (بازنگری) فرهنگ مشارکتی افزایش می یابد.

۱۳. به تغییر در فرهنگ مدرسه، ایجاد و توسعه دادن محیطی انعطاف پذیر برای دستیابی به یادگیری سازمانی کمک می کند.

۱۴. معلمان در اداره مدرسه، احساس مسئولیت بیشتری می کنند.

۱۵. همکاری با محققان در حمایت از ترویج فکر سیستماتیک و تفکر انتقادی بیشتر می شود.

۱۶. ارتقا ظرفیت معلمان برای تبدیل شدن از نقش آموزگار به یادگیرنده و رهبری فرایند یادگیری اتفاق می افتد. به استراتژی های اثربخش تر در ارتقای مدیریت آموزشی مدرسه می انجامد.

۲.۴ یافته ها

از آن چه که به صورت موجز و مختصر در مورد معرفی گروه های آموزشی و درس پژوهی ذکر شد با کدگذاری باز، می توان شباهت ها و تفاوت هایی برای آن دو به ترتیب زیر استخراج و در دو بخش ۱. اهداف و وظایف ۲. چالش ها مرتب نمود:

۲.۴.۱ اهداف و وظایف

۲.۴.۱.۱ شباهت ها

۱. هر دو در گروه های درسی مشترک یا هم پایه ها اتفاق می افتد.

۲. ایجاد تعامل بین معلمان در هر دو مورد تاکید است.

۳. هر دو فعالیتی برای جلب مشارکت معلمان می باشد.

۴. در هر دو استفاده از تجارب و اطلاعات علمی، آموزشی و حرفه ای معلمان از همدیگر مورد نظر است.

۵. در هر دو شناسایی حوزه های یادگیری، مهارت های یاد دادن و یاد گرفتن از همدیگر وجود دارد.

۶. در هر دو اعتقاد به پژوهش به چشم می خورد.

۷. هر دو یک مجمع علمی به شمار می آیند.

۸. گروه های آموزشی و درس پژوهی در تمام مقاطع تشکیل می شود.

۹. تبادل افکار و تجارب و ابتکارات و نو آوری بین معلمان در هر دو وجود دارد.

۱۰. در هر دو، سطح آگاهی معلمان ارتقا می یابد.

۱۱. هماهنگی و هم فکری در هر دو دیده می شود.

۱۲. در هر دو اولیا دانش آموزان مهم هستند و به نظرات آن ها اهمیت داده می شود.

۱۳. در هر دو می توان از افراد صاحب نظر برای شرکت در جلسات و ... دعوت نمود.

۱۴. در هر دو حضور در کلاس درس همکار با شرایطی وجود دارد.

۱۵. در هر دو باید گزارش فعالیت ها و خروجی کار تنظیم گردد.

۱۶. هر دو در مدرسه تشکیل می گردد.
۱۷. هر دو در طول سال تحصیلی فعالیت می کنند.
۱۸. خاستگاه هر دو شورای معلمان مدرسه می باشد.
۱۹. در تشکیل هر دو، مدیر نقش رسمی نداشته و گروه ها خودجوش و با خود اظهاری فعال می شوند.
۲۰. در هر دو مدیر نقش تسهیل کنندگی و پشتیبانی دارد.
۲۱. در هر دو توسعه حرفه ای معلمان مورد تاکید است.
۲۲. هر دو مدرسه را به سازمان یادگیرنده تبدیل می کنند.
۲۳. در هر دو تلاش برای بهبود یادگیری است خواه معلم و خواه دانش آموز
۲۴. در هر دو تلاش می شود که روابط بین معلمان بهبود یابد.
۲۵. در هر دو اصولاً باید حمایت از تفکر انتقادی افزایش یابد.
۲۶. در هر دو یادگیری گروهی است.
۲۷. در هر دو امکان تغییر خودپایدار گسترش می یابد.
۲۸. هر دو به نوعی آموزش ضمن خدمت به حساب می آید.
۲۹. در هر دو تلاش برای این است که از نتایج خود اعضای گروه و یا سایر همکاران در مدارس دیگر استفاده ببرند.
باز اندیشی در رفتار خود در هر دو وجود دارد.
۳۰. تلاش های هر دو باعث تحول مستمر در آموزش می شود.
۳۱. در هر دو احساس مسوولیت بیشتر در اداره مدرسه به چشم می خورد.
۳۲. کمک به مدیریت مدرسه در هر دو مشهود است .

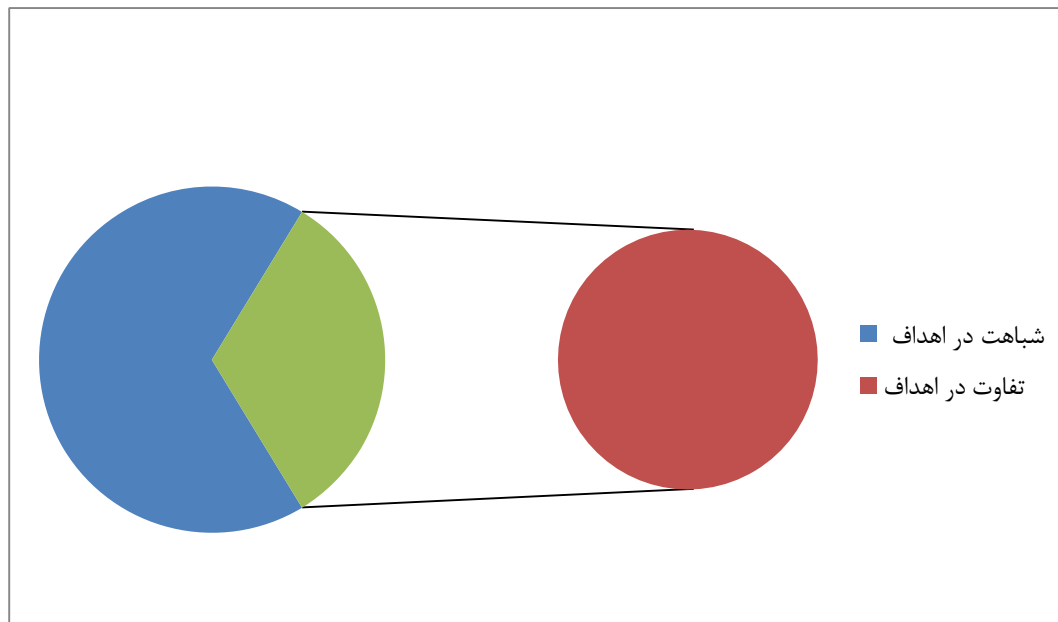
۲،۴،۱،۲. تفاوت ها

۱. در گروه های درس پژوهی، افراد غیر هم پایه هم می توانند فعالیت کنند و یا حتی با معلمان دیگر مدارس نیز امکان تشکیل گروه درس پژوهی وجود دارد در حالی که در گروه آموزشی باید اعضا، جزو گروه درسی مشترک و هم مدرسه ای باشند.
۲. از نظر زمانی سابقه ی گروه های آموزشی حداقل در ایران بیشتر است در حالی که الگوی درس پژوهی در سال های اخیر وارد شده است.
۳. در گروه های آموزشی، سرگروه وجود دارد که همه ی کارها را حتی تنظیم صورت جلسات و .. را خود او انجام می دهد ولی در درس پژوهی هر یک از اعضا وظایف خاصی دارند و نباید فردی بدون مسوولیت باشد که باعث کم کاری و احساس بی فایده گی او می گردد.
۴. درس پژوهی مراحل اجرایی خاصی دارد در حالی که گروه های آموزشی صرفاً یک جلسه و دور همی است.

۴. حضور در کلاس درس همکاران در درس پژوهی با توجه به مراحل اجرای آن، حتمی است در حالی که در گروه های آموزشی، این مهم با برنامه ریزی قبلی و داوطلبانه و در صورت امکان و به ندرت امکان پذیر است.
۵. در گروه های آموزشی، نقد و بررسی برنامه های درسی اعم از محتوا و وسایل کمک آموزشی و ... هم انجام می پذیرد در حالی که در درس پژوهی تاکید بر نحوه استفاده از این ها می باشد.
۶. در گروه های آموزشی، طرح های شهرستانی هم برای اجرا در مدرسه و ... مطرح و بررسی می شود ولی در درس پژوهی این گونه نیست.
۷. گزارش ها و مکتوبات و صورت جلسات درس پژوهی گسترده تر از گروه های آموزشی است و معمولاً در گروه های آموزشی به یک صورت جلسه ساده بسنده می شود.
۸. در درس پژوهی، معمولاً یکی از معلمان پیش کسوت، از معلمان دیگر برای تشکیل کار گروه درس دعوت می کند ولی در گروه های آموزشی در اولین جلسه ی شورای معلمان گروه ها تشکیل و اعضا یک نفر را به عنوان سرگروه تعیین می کنند.
۹. برای گروه های آموزشی در سطوح بالاتر شهرستانی و استانی و ... هم متناظرانی وجود دارد مانند سرگروه عربی شهرستان و یا سر گروه عربی استان و در حالی که در درس پژوهی این گونه نیست و فعالیت های آن ها را بخش تکنولوژی آموزشی شهرستان و ناحیه و .. هدایت می کند.
۱۰. در درس پژوهی تنظیم طرح درس از ضروریات بوده و در واقع محور فعالیت ها می باشد و کار از این جا استارت می شود در حالی که در گروه های آموزشی شاید یکی از مواردی که در مورد آن در جلسات صحبت شود، طرح درس است.
۱۱. درس پژوهی بر مراحل اجرایی خاصی (پنج مرحله) استوار است در حالی که برای گروه های آموزشی مرحله ی اجرایی، فقط همان تشکیل جلسه است.
۱۲. جلسات گروه های آموزشی ماهانه و مرتب در طول سال بوده و در آن موارد و مسایل متنوع گوناگونی طرح می گردد در حالی جلسات درس پژوهی می تواند از یک ماه تا یک سال بدون زمان خاص (مثلاً ماهی یک بار یا بیشتر و ...) انجام پذیرد .
۱۳. در گروه های آموزشی، معلمان با خودشان یا با اولیا ی دانش آموزان، تعامل دارند ولی در درس پژوهی تعامل با دانش آموزان هم مد نظر است به عبارت دیگر، فعالیت ها، در بین دانش آموزان، خود را نشان می دهد و ظاهر می شود.
۱۴. در گروه های آموزشی علاوه بر تدریس و کار کردن دانش آموزان، به معلمان و کار دانش آموزان هم توجه می شود در حالی که در درس پژوهی صرفاً بر تدریس و کار کردن دانش آموزان توجه می گردد.

۱۵. از همدیگر یاد گرفتن، بخشی از اهداف گروه های آموزشی است در حالی که در درس پژوهی هدف اصلی می باشد.

۱۶. درس پژوهی معلمان را به صورت عملی تر در فرایند تبیین مساله و طرح و عمل و ... درگیر می کند.



نمودار ۱. مقایسه ی شباهت ها و تفاوت های گروه های آموزشی و درس پژوهی در اهداف

۲.۴.۲. چالش های درس پژوهی و گروه های آموزشی

بدیهی است هر برنامه ای اعم از آموزشی و غیر آموزشی در اجرا با چالش هایی مواجه خواهد شد. بررسی های شتابزده این دو موضوع مورد مطالعه این تحقیق نشان می دهد که درس پژوهی و گروه های آموزشی نیز در حین اجرا با چالش هایی مواجهند که در ذیل به ذکر و مقایسه آن ها می پردازیم .
برای همین منظور، اول چالش های مشترک و بعداً چالش های متمایز ذکر خواهند گشت:

۲.۴.۲.۱. چالش های مشترک

- هر دو دشواری فنی ندارند و از نظر ساختار و ... تعریف شده می باشند ولی در اجرا سخت و دشوار بوده و امکان تشکیل گروه و جلب رضایت معلمان و ... آسان نیست.
- به دلیل اعتقاد کم معلمان به هر دو امکان فعال نگه داشتن آن ها دشوار است. چون آن ها نمی توانند قبول کنند که این موارد به ایشان کمکی خواهد کرد.
- در هر دو کلیشه ای عمل می شود. قالب یکسان، ساختار یکی و مدل ثابت است.
- ضمانت اجرایی هر دو کم هست. زمانی که اجباری بر اجرای آن نبوده و خود جوش و داوطلبانه باشند، معمولاً به شکل صوری و یا حتی غیر رسمی هم تشکیل می شوند.

- مبانی نظری در مورد هر دو محدود است، مثلاً نمی توان منبع خاصی برای گروه های آموزشی در مدارس یافت از مقررات و قوانین گرفته تا بخش نامه و
- اجرا و ارزیابی هر دو، چارچوب داشته و قالب بندی شده است و اجازه نوآوری و ... را کمتر می دهد.
- راه کار های لازم برای بالا بردن انگیزه همکاران در هر دو کم هست یعنی در مقابل این فعالیت ها نه کسری موظفی وجود دارد و نه امتیاز خاص و نه پرداخت حق الزحمه ای و ... به همین جهت استقبال کم است و اگر استقبالی هم بوده باشد، معمولاً صوری است.
- کارها و تلاش های همکاران و خروجی این فعالیت ها کمتر رسانه ای و اطلاع رسانی می گردد.
- تحقیقاتی در مورد موفق و یا ناموفق بودن هر دو و چرایی آن صورت نگرفته است تا بیشتر معلوم گردد که این ها چرا و چگونه باید ادامه بدهند.
- هر دو صورت نمایشی یافته و در حد گزارش به مقامات بالاتر و کار نشان دادن و شرکت در جشنواره و ... مانده است.
- این فعالیت از نظر زمانی بعضاً با طرح های ستادی دیگر، تداخل دارد. مثلاً طرح جابر بن حیان در مدارس ابتدایی و ...
- تفکر انتخاب شدن و رتبه بندی و ... به معلمان، این اجازه را نمی دهد که به کیفیت بیندیشند از این رو تنها به کمیّت و گزارش و فیلم و ... توجه دارند. به عبارت دیگر این فعالیت ها تبدیل به رفتار های نمایشی شده است و ما این را در اقدام پژوهی و گرفتن امتیاز و ... از نزدیک در مدارس شاهد بوده ایم.
- هر دو در حد و وظیفه آموزشی مانده و گویی یک موردی است که اتوماتیک هر ساله در مدرسه تشکیل می یابد.
- به دلیل فرهنگ عدم انتقاد پذیری و خود دوستی و ترس از دادن اطلاعات درسی و عقب افتادن از دیگران و زیاد مورد استقبال معلمان قرار نمی گیرند.
- کم رنگی فرهنگ مشارکت علی الخصوص در ایران، شرکت تمام معلمان در این گونه فعالیت ها را دشوار می سازد به عنوان مثال به ساحت ورزش نگاه کنیم می بینیم که ما در ورزش های انفرادی مقام خوبی داریم در حالی که در ورزش های جمعی وضعمان تعریف چندانی ندارد و ...
- وضعیت معیشتی و اقتصادی معلمان بر این گونه فعالیت ها سایه افکنده و اجازه پررنگ شدن آن ها را نداده و نخواهد داد.
- ترویج فرهنگ گفتگو و مشارکت مسؤولانه در طراحی، اجرا و باز اندیشی در هر دو ضعیف است.

۲،۴،۲،۲. چالش های متمایز

- سیستم های ستادی نمی توانند از درس پژوهی پشتیبانی کافی کنند چون متناظر آن ها در مراتب بالاتر وجود ندارد ولی در گروه های آموزشی این امکان قابل مشاهده است.

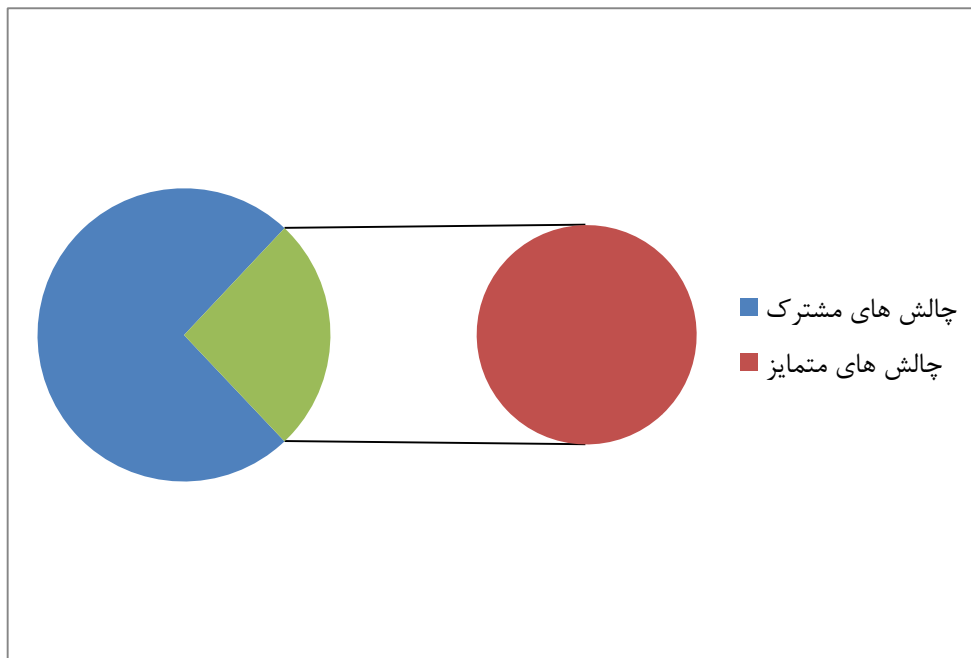
- درس پژوهی در شرایط و موقعیت های آموزشی ایران، بومی نشده است به عبارت دیگر برنامه درسی، کتاب و محتوا و ... همه به صورت ابلاغی از قبل آماده بوده و دست یا دستان معلم در این مورد بسته است و ... ولی گروه های آموزشی با این اوضاع آموزشی مطابقت یافته است.

- زمان اجرای درس پژوهی در مدارس مشخص نیست و مانده به ارسال دستور العمل جشنواره و ... که در طول سال خواهد بود ولی گروه های آموزشی از شروع سال تحصیلی، حداقل به شکل صوری هر ماه یک جلسه دارند.

- توأم بودن برنامه درسی مدرسه و درس پژوهی از نظر زمانی، مانع وقت گذاری مناسب معلمان می شود؛ یعنی از نظر زمانی، به جز روزهای تعطیل و یا عصرها، زمان خاصی برای جلسات و ... نیست به عبارت دیگر در نظام آموزش و پرورش ایران، معلم باید کتاب را در یک سال تدریس کند و در چنین بازه زمانی شاید فرصتی برای این گونه هماهنگی ها نباشد در حالی که گروه های آموزشی به دلیل جلسات کمتر، زمان کمی هم لازم بوده و قابلیت اجرایی دارد.

- همه مدیران از درس پژوهی حمایت کامل نمی کنند چون بی نظمی هایی در تعطیلی کلاس ها و مرخصی همکاران و ... ایجاد می کند ولی به دلیل محدود بودن زمان جلسات گروه های آموزشی، ممانعت خاصی در این مورد از طرف مدیران وجود ندارد.

- برای اجرای کامل درس پژوهی حضور تمام وقت معلمان در مدرسه لازم و ضروری است. بدیهی است این فعلاً فقط در دوره ابتدایی میسر می باشد. از این روست که می بینیم همکاران ابتدایی در مورد آن تلاش می کنند و در دوره ی متوسطه، معلمان و اولیای مدرسه اگر بی خبر از این موضوع نباشند، حداقل اجرایش را دشوار و غیر ممکن می دانند چون معتقدند نه معلمان آن همه وقت می گذارند با هم بنشینند و در مورد تدریس صحبت کنند و نه غرور و خودبینی آن ها این اجازه را به آن ها می دهد و نه تدریس در کلاس های خصوص می گذارد که اطلاعات دانشی خود را به دیگران منتقل کنند.



نمودار ۲. چالش های مشترک و متمایز درس پژوهی و گروه های آموزشی مدارس

۳. نتیجه گیری

این مطالعه نشان داد که رابطه گروه های آموزشی مدارس و درس پژوهی با هم رابطه عموم خصوص مطلق منطبق می باشد. به عبارت دیگر، درس پژوهی در داخل و به عنوان بخشی از وظایف و اهداف گروه های آموزشی می باشد که در مورد افزایش « دانش حرفه ای معلمان » تمرکز دارد.^۱ تنها اختلاف اساسی بین گروه های درس پژوهی و گروه های آموزشی در نحوه اجرا و زمان اجرا بوده و می توان ادعا نمود که در سایر موارد کاملاً مشترک هستند.

چالش های مشترک این دو هم، موید این نکته مهم است که درد یکی است لذا چاره ای برای درمان باید نمود. یعنی اگر چاره ای اندیشیده نشود در آینده ی نزدیک شاهد آن خواهیم بود که درس پژوهی نیز مانند گروه های آموزشی به شکل نمایشی در آمده و فقط به تنظیم صورت جلسه و شرکت در جشنواره ها و ... بسنده می شود یا به سر نوشت اقدام پژوهی دچار گردد و وسیله ای برای گرفتن رتبه و امتیاز و ... به هر طریق ممکن ...^۲

در این مورد جناب استاد «سرکارآرانی» راهکار هایی را در فصل نامه ی شماره ۱۰۵ تعلیم و تربیت ارایه نموده اند.^۳ این راه کار ها هم، ضمن تایید ادعای این مطالعه، موید این نکته بسیار مهم نیز هست که متخصصان مربوط باید در همان ابتدا برای درس پژوهی نسخه ای ایرانی می پیچیدند، یعنی با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی، ساختار اداری^۴ ؛ آموزشی و ... آموزش و پرورش ایران، اقدام انجام می یافته است.^۵ این همان چیزی است که امروز، زمان آن را انجام داده و عملاً در مدارس آن هم مدارس ابتدایی این الگو شکل ایرانی به خود گرفته است و گروه های درس پژوهی

مدارس با تاکید بر هدف چگونه یاددهی و یادگیری به شکل گروه های آموزشی عمل کرده و خبری از فیلم برداری و طرح نویسی و ... به صورت کامل نیست مگر برای شرکت در جشنواره ها و برای نمایش. پیشنهاد می گردد برنامه ریزان و صاحب نظران علوم تربیتی که به دنبال تبدیل مدرسه های ما به سازمان یادگیرنده در آموزش و پرورش می باشند به دو نکته ی مهم و اساسی توجه نموده و برای آن ها هم برنامه ریزی نمایند؛ یکی « ثابت نمودن مدیریت مدارس » و دیگری « تمام وقت نمودن حضور معلمان در مدارس » که خود نیاز به مقاله ای جداگانه دارد تا با دلایل و مستندات اثبات گردد که سر منشا مشکلات در همین دو نکته است و بس نه آوردن الگو های متنوع و

پی نوشت ها

۱. در تایید این ادعا همین بس که گروه درس پژوهی به دلیل رابطه کاری ، فکری و اهدافی که با گروه های آموزشی دارد، فعلاً در زیر مجموعه ی گروه های آموزشی ادارات آموزش و پرورش قرار داشته و به وسیله ی آن ها هدایت می شود.

۲. اقدام پژوهی که به وسیله دکتر مهر محمدی در پژوهشکده تعلیم و تربیت از دو دهه پیش آغاز شد هر چند کار ارزنده ای بود ولی نتوانست آن گونه که شایسته بود موثر واقع و شیوه تدریس و آموزش و یادگیری را تحت تاثیر قرار دهد.

۳. راهبردهایی برای ترویج درس پژوهی در عمل

- گردهمایی در محیط های غیر رسمی و دوستانه برای گفت و گوهای حرفه ای
- ایجاد شبکه های ارتباطی اجتماعی برای سهیم شدن در ایده ها و تجربه های یکدیگرگفت و گوهای بین فردی
- تعیین نقش هر یک از شرکت کنندگان در پژوهش مشارکتی برای به سازی فرهنگ آموزش
- بهره گیری از زبان مشترک در گفت و گوهای حرفه ای و حوصله تا حصول فهم جمعی
- توجه به فرآیندها و پیامدها ، شایسته است انتظارها همراه و هم وزن فرایند ها تبیین و ترویج شوند تا انتظار از پیامدها واقع بینانه شود.
- تبیین عینی و روشن زمینه های عمل مشترک ، به همین منظور نکاتی برای اشتراک بین والدین، معلمان، مدیران و کارگزاران آموزشی بیابیم.
- ترویج ارزش های حرفه ای مشترک برای توانمندسازی معلمان
- ترویج هم عملی و فرهنگ مشارکت و تعامل
- اندیشه ژرف در این مهم که تغییر، زمان بر است و تداوم لازمه ی به سازی

۴. در ژاپن کمیته ای برای هماهنگی و برنامه های درسی و مسایل مربوط به بهسازی آموزش در هر مدرسه وجود دارد. موضوع پژوهش معلمان مدرسه را این کمیته بر اساس بازبینی نتایج برنامه های آموزش یک سال تحصیلی تعیین می کند. (سرکار آرنی، فصل نامه تعلیم و تربیت، ۱۰۵) این موردی است که در هیچ بخش از موارد اجرایی الگوی درس پژوهی در ایران نه طرح شده و نه دیده می شود.

۵. عدم برابری فضاهای فرهنگی مدارس ایرانی با مدارس ژاپنی و جامعه ایرانی با جامعه ی ژاپنی و امکانات مدارس ایرانی با امکانات مدارس ژاپنی که برای دانش آموزان محل زندگی به شمار می روند نه صرف محل تحصیل و یا ساختار اداری مدارس آن ها و ده ها مورد دیگر چیز هایی نیستند که به راحتی از آن ها بتوان گذشت و یقیناً در عدم موفقیت این الگو به عنوان چالشی اساسی بی تاثیر نخواهند بود. مثلاً فضای فیزیکی مدارس ژاپنی شوق انگیز است بیشتر آن ها استخر دارند و ... ما در کجای مدارس ایرانی این امکانات را داریم.

منابع

الف. کتاب ها

- اسپیتانک و همکاران، (۱۳۸۹)، *درس پژوهی راهنمایی عملی برای مدیران و معلمان*، ترجمه رضا ساکی و داریوش مدنی، تهران، حکمت علوی، چاپ اول
- ساکی، رضا (۱۳۸۸)، *سواد پژوهشی معلم* (راهنمایی برای ژرف اندیشی در باره ی یاددهی - یادگیری)، تهران، دانش آفرین .
- _____ و آهنچیان، محمد رضا و همکاران (۱۳۸۳)، *اقدام پژوهی، راهبردی برای بهبود آموزش و تدریس*، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت .
- _____ و همکاران (مترجم، ۱۳۸۸)، لاگمن، الن کاندلیف ؛ شولمن، لی، ۱۹۳۸، *مباحث اساسی در پژوهش های آموزشی (مشکلات و امکان ها)* تهران ، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش .
- سرکار آرانی، محمد رضا و مقدمعلی، رضا، (مترجم، ۱۳۸۳)، *شکاف آموزشی، بهترین ایده ها از معلمان جهان برای بهبود آموزش در کلاس درس، مطالعه تطبیقی روش های آموزش ریاضی در آلمان، ژاپن و آمریکا*، نویسندگان جیمز استیگلر، جیمز هیبرت ؛ تهران ، مدرسه .
- _____ (۱۳۸۱)، *فرهنگ آموزش در ژاپن - برنامه درسی و فرایند یاددهی - یادگیری در آموزش و پرورش دوره ابتدایی ژاپن با تأکید بر اصطلاحات برنامه های درسی با رویکرد تلفیقی*.
- سرکار آرانی، محمد رضا (۱۳۷۹)، *الفبای مدیریت کلاس درس، راهبردهایی برای آموزش اثر بخش*، نویسنده روبرت تی تایر ؛ تهران، مدرسه .
- _____ (۱۳۸۹)، *فرهنگ آموزش و یادگیری پژوهشی مردم نگارانه با رویکردی تربیتی*، مدرسه چاپ دوم
- _____ (مترجم، ۱۳۷۸)، *تألیف لوئیس، کاترین و تسوچیدا، مبانی آموزش و پرورش ابتدایی در ژاپن و مقایسه آن با آمریکا*.

ب. نشریات

- سرکار آرانی، محمد رضا (۱۳۷۸)، *پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس، تجربه ژاپن در پرورش حرفه ای معلمان*، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۳ .
- _____، ۱۳۸۶، *درس پژوهی الگویی برای تولید دانش حرفه ای در مدرسه*، رشد مدیریت مدرسه، دوره ششم، شماره ۵۲
- خاکباز، عظیمه السادات، فدایی، محمد رضا، موسی پور، نعمت الله، (۱۳۸۷)، *تاثیر درس پژوهی بر توسعه حرفه ای معلمان ریاضی*، فصل نامه تعلیم و تربیت، نشریه ی پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- عباس زادگان، علی، (۱۳۹۰)، *درس پژوهی (چیستی، چرایی، چگونگی)* پژوهشکده تعلیم و تربیت، اداره ی کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، مشهد، چاپ اول.